

درست و نادرست

۱- بار سنگین، پشت مور را خمیده کرده بود.

درست

۲- حضرت سلیمان رفتار مورچه را تحسین کرد.

نادرست

۳- مورچه، بُردبار و قانع بود.

درست



۱ وقتی سلیمان مور را دید، مور به چه کاری مشغول بود؟

۲ هر یک از بیت‌های زیر از زبان کدام یک از شخصیت‌های داستان بیان شده است؟

● به تندی گفت: «کای مسکین نادان چرای فارغ از ملک سلیمان؟»

● بگفت: «از سور، کمتر گوی با مور که موران را قناعت خوش تر از سور»

۳ به نظر شما چگونه «جوانی» می‌تواند «پیرایه‌ی پیری» باشد؟

۴ منظور مور از بیان «مرا امید راحت‌هاست زین رنج» چیست؟

۵

۱ وقتی سلیمان مور را دید، مور به چه کاری مشغول بود؟

جواب: او با تلاش و کوشش، غذا را از زمین برداشته و به سمت لانه‌اش می‌برد.

۲ هر یک از بیت‌های زیر از زبان کدام یک از شخصیت‌های داستان بیان شده است؟

● به تندی گفت: «کای مسکین نادان چرایی فارغ از ملک سلیمان؟»

جواب: این بیت از زبان سلیمان بیان شده است. سلیمان، پادشاه بزرگی بود که بر تمامی موجودات عالم فرمان می‌راند. او وقتی

مور را دید، از او پرسید که چرا از نعمت‌های او استفاده نمی‌کند و در عوض، در رنج و سختی زندگی می‌کند.

● بگفت: «از سور، کمتر گوی با مور که موران را قناعت خوش تر از سور»

جواب: این بیت از زبان مور بیان شده است. مور به سلیمان گفت که او از نعمت‌های او استفاده نمی‌کند، زیرا قناعت را بر هر

چیز دیگری ترجیح می‌دهد. او معتقد بود که زندگی ساده و فقیرانه، بهتر از زندگی تجملی و پر زرق و برق است.

۳ به نظر شما چگونه «جوانی» می‌تواند «پیرایه‌ی پیری» باشد؟

جواب: جوانی، فرصتی برای یادگیری و کسب تجربه است. اگر انسان در جوانی از این فرصت استفاده کند، در پیری از آن بهره

خواهد برد. بنابراین، جوانی می‌تواند پیرایه‌ی پیری باشد.

منظور مور از بیان «مرا امید راحت‌هاست زین رنج» چیست؟ ۴

جواب: امید دارد که در آینده، راحت و آسوده زندگی کند؛ مور به این نکته اشاره می‌کند که انسان برای رسیدن به موفقیت، باید تلاش و کوشش کند و از سختی‌ها نترسد.

۵- چرا مور دعوت سلیمان را نپذیرفت؟

جواب: زیرا می‌خواست مستقل زندگی کند و روی پای خودش بایستد.



واژگان

سلیمان: پیامبری که بر جن و انس و حیوانات فرمان روایی می کرد.

مور: مورچه

وزان: مخفف و از آن

گران: بزرگ و سنگین

سعی: تلاش و کوشش

فارغ: راحت و آسوده

به تندی: با عصبانیت

مسکین: نیازمند و بینوا

واژگان

ملک: سرزمین و قلمرو

خونابه خوردن: رنج بسیار کشیدن

میازار: آزار نرسان

سور: جشن و مهمانی

قناعت: قانع بودن

توشه: خوراک و آذوقه ی سفر

همواره: همیشه

کامکاری: خوشبختی

رسم: روش

واژگان

بردباری: صبر

هشیاران: عاقلان و دانایان

گه: مخفف گاه

تدبیر: اندیشیدن برای یافتن راه حل مشکل

عاقل: دانا

بینا: آگاه و هوشیار

پیرایه: آن چه سبب زیبایی شود، زیور و زینت

درک و دریافت

۱- منظور از «همه چیز را همگان دانند» چیست؟

هیچ انسانی نمی تواند تمام دانش ها و علوم را بیاموزد
و هر کس فقط قسمتی از دانش ها را می آموزد.

درک و دریافت

۲- مکتب خانه ها را با مدرسه های کنونی مقایسه کنید.

در مکتب خانه ها بچه ها روی زمین و دور هم می نشستند و هزینه ی تحصیل خود را به صورت کالا پرداخت می کردند. در مدارس امروزی بچه ها روی نیمکت یا صندلی می نشینند و در برخی مدارس شهریه پرداخت می کنند.

۳ به نظر شما رسانه ها و فضای مجازی چه تغییراتی در مدارس آینده ایجاد می کنند؟

جواب: باعث رشد و پیشرفت بیشتر در آموزش و یادگیری میشوند. همچنین فضای مجازی و رسانه ها باعث میشوند به منابع

آموزشی بیشتری دسترسی داشته باشیم.

درک و دریافت

۴- چه چیزهایی راهنمای ابوریحان برای موفقیت بودند؟

علاقه و محبت مادر و پدر و اولین معلمش، شوق به آموزش و یادگیری، شاگردی نزد بسیاری از بزرگان، تلاش مداوم و پرسشگری

درک و دریافت

۵- راه ورود به سرزمین های ناشناخته، چیست؟

پرسشگری

۶- جمله ی «همه جا محل یادگیری است» یعنی چه؟

یعنی هر محیطی می تواند چیزهای جدید به انسان بیاموزد و اگر روحیه ی پرسش گری، جست و جوگری و تفکر داشته باشیم می توانیم از هر فرصتی برای دانش اندوزی استفاده کنیم.

واژگان

- اینک: حالا
- پیشگاه: صحن
- جایگاه: مرتبه و درجه
- شوق: علاقه
- مکتب: مدرسه
- از بر کردم: حفظ کردم
- آداب: رسم ها و روش ها
- معین کرد: مشخص کرد
- پر مهر: پر از عشق و محبت

واژگان

- اینک: حالا
- پیشگاه: صحن
- جایگاه: مرتبه و درجه
- شوق: علاقه
- مکتب: مدرسه
- از بر کردم: حفظ کردم
- آداب: رسم ها و روش ها
- معین کرد: مشخص کرد
- اثرگذار: تاثیرگذار
- ماندگار: پایدار و ماندنی

واژگان

رانده شده: اخراج شده

حساب کردن: شمردن

اخترشناسی: ستاره شناسی و نجوم

حکمت: دانش و معرفت

ناگزیر: ناچار

نان آور خانه:

کسی که وسایل مورد نیاز خانه را تهیه می کند

یاور: یاری کننده

واژگان

مهرگان: پاییز

دانستم: فهمیدم

عزم: اراده

شدم: رفتم

عالمان: دانایان

دیار: سرزمین

پژوهش: تحقیق

خردمندانه: عاقلانه

چه بسا: بسیار

هوشمندی: آگاهی



واژگان

در دل داشت: قصد و نیت داشت

به سبب: به دلیل

در گذشت مادر: فوت مادر

راهزنی: غارتگری

سکه: پول فلزی

صادق: راستگو

دینار: سکه ی طلا

ناپسند: زشت

صادق: راست گو

صمیمی: بسیار نزدیک

هم نشین: دوست



واژگان

خاکیان: اهل خاک، انسان ها

بر کرده اند: بلند کرده اند

خاکدان: دنیای خاکی

ضمیر: باطن

لطف: مهربانی و رحمت

پرتو: نور و روشنایی

معرفت: شناخت

پرو: پرورش بده

نیک: خوب

ملک: پادشاه

غافلان: نادانان و بی خبران

واژگان مخالف

بنشینم # بایستم

قبول # رد

خفتن # بیدار شدن

شیرین # تلخ

رنج # خوشی

ناپسند # پسندیده

فراز # نشیب

بهترین # بدترین

واژگان مخالف

دروغ گو # راست گو

حضور # غیاب

نخستین # آخرین

ماندگار # زودگذر

ناشناخته # شناخته شده

پاک # آلوده

غافلان # هوشیاران



واژگان هم خانواده

سعی: سعی

قناعت: قانع

بینا: بین، بیننده

ارزش: با ارزش، ارزشمند

مکتب: مکتوب، مکاتب، کتاب

آموزش: آموختن، آموزنده

عشق: عاشق، معشوق



واژگان هم خانواده

فارغ: فراغت

رسم: رسوم، مراسم، مرسوم

رحمت: رحمان، رحیم، رحم

خواندن: خواننده، خوانا

کسب: کاسب، کسبه

حج: حاجی، حجاج، حاجیان



واژگان هم خانواده



جسم: اجسام، مجسمه

تدبیر: تدابیر

حضور: حاضر، محضر

حق: حقوق، محق

وظایف: وظیفه، موظف

معرفت: عرفان، عارف

ضمیر: ضمایر